

از مطالعه این نشریه در زمان تفیلا و فواندن توراہ فودداری فرمایید.

אגדה קלדה

משפטים

جهت حفظ قدوسیت این نشریه از دور انداختن آن فودداری فرمایید.

27 شבא 5782

גفتארי רוש נג

بهترین صورت بپردازد. این مورد می‌تواند باعث شود تا مردم حواس خویش را جمع و به دیگری ضربه نزنند، زیرا فرد می‌داند اگر باعث ضرر و زیان شود، باید بهای آن را بدهد، از این رو مواظب است تا او یا وسایل او به دیگران ضرر و آسیب نرسانند. گمارا در این باره حکایتی تعریف می‌کند و می‌فرماید: شخص صدیقی در خیابان راه می‌رفت که متوجه گشت فردی حیاط خود را نظافت می‌کند و زباله و سنگها را در خیابان می‌ریزد. آن صدیق به صاحبخانه گفت:

”چرا این زباله و سنگها را در خیابان رها می‌کنی؟ ممکن است اینها باعث ناراحتی یا آسیب دیگران و همسایه‌ها شوند؟“ صاحبخانه به حرف او اعتنایی نکرد و کار خویش را ادامه داد. آن صدیق دوباره به او گفت:

”تو این سنگها را از محلی که متعلق به تو نیست بیرون می‌ریزی و در جایی می‌گذاری که متعلق به تو است!“ چون این حرف عجیب بود، صاحبخانه این سخن را مسخره کرد و دیگر سنگهای داخل حیاط را نیز بیرون ریخت.

مدت زمانی گذشت و آن شخص ناچار شد خانه و حیاط خود را بفروشد. چند روز پس از اینکه خانه و حیاط خود را فروخت، در آن خیابان قدم می‌زد که با همان سنگهایی که خود در خیابان انداخته بود، برخورد کرد و ضربه دید. سپس با خود گفت:

”آن صدیق راست می‌گفت من این سنگها را از محلی که متعلق به خودم نیست، بیرون می‌ریختم و در جایی می‌گذاردم که متعلق به خود من است.“

دفعات بسیار اتفاق می‌افتاد مردم، خانه خویش را تعمیر و بنایی می‌کنند و سنگها و آشغالهای این تعمیرات را در کوچه و خیابان می‌گذارند و تا وقتی این تعمیرات تمام نشوند، آنها به فکر جمع کردن این زباله نیستند. این باعث زیان و ناراحتی همسایه‌ها و

در این پاراشا پس از دریافت توراہ و شنیدن ده فرمان هستیم. در پاراشای قبل خواندیم قوم بیسرائل پای کوه سینای ایستادند و همه یک دل و از صمیم قلب با دریافت توراہ موافقت کردند. فوراً، پس از دریافت توراہ، خداوند قوانین توراہ را آموزش می‌دهد و بیشتر آنها درباره میصواهای بین فرد و هممنوع هستند که اگر شخصی به دیگری ضربه زد یا باعث ضرر مالی او شد، چه باید بکند و چطور باید رفتار نماید.

سؤالی که پرسیده می‌شود این است:

چرا از بین 613 فرمان، توراہ با این میصواها، توضیح قوانین توراہ را آغاز می‌کند؟

گمارا (مسخت بابا کاما) در این باره می‌فرماید:

”شخصی که می‌خواهد پرهیزکار باشد، باید قوانین ضرر و زیان را انجام دهد.“

گمارا چندین بار می‌فرماید: بیشتر از این که شخص باید مواظب باشد تا ضرر نبیند، باید بر حذر باشد ضرر نزند. اما افراد بسیاری به این مورد توجه نمی‌کنند و به همین سبب به خود اجازه می‌دهند طبق رفتارهای ناشایست و عادات بد رفتار نمایند، با اینکه می‌دانند این رفتار باعث ناخوشایندی و رنجیدگی در نزد طرف مقابل می‌شود، اهمیت نداده و آنچه مطابق میلشان است، انجام می‌دهند. به همین جهت توراہ در اینجا هشدار می‌دهد و می‌فرماید: ”این قوانین را جلوی آنها بگذار.“

زیرا یکی از اهداف دریافت توراہ این بود که افراد به صورت شایسته رفتار نمایند. از این رو، فوراً پس از دریافت توراہ، توراہ قوانین بین فرد و هممنوع را توضیح می‌دهد و در مورد ضرر و زیان زدن صحبت نموده و شخص را برحذر می‌دارد به دیگران ضربه و آسیب نرساند.

دانشمندان توراہ، از این پاراشا آموخته‌اند 24 نوع ضربه زدن وجود دارد و شخصی که به دیگری ضربه می‌زند، باید بهای آن را به

1 اگر در کیفیت و کمیت مطالب این نشریه (آی، پیشنهاد و یا سوالی در امور هلافا و زندگی) روزمره دارید از اتمام لطف

افرادی هستند نسبت به سرما حساس هستند و فوراً سرما می‌خورند و این باعث می‌شود از کار و زندگی خود باز بمانند. و یا اینکه در تابستان در کنیسا کولر روشن است و یکی دو نفر که هوای آزاد می‌خواهند، پنجره را باز می‌کنند و باعث می‌شوند تمام هوای مطبوع خارج شود و همه به خاطر آنها از گرما رنج ببرند. قبل از اینکه شخص بخواهد از دیگران ایراد بگیرد و بگوید آنها باعث ضرر و زیان می‌شوند، باید چشمان خویش را باز و توجه نماید آیا خود او باعث ضرر به دیگران نمی‌شود و قبل از هر عمل، فکر دیگران نیز باشد، نه فقط به فکر راحتی خود. شخص نباید به صورتی رفتار کند که دیگران از او در رنج باشند و همیشه منتظر باشند که از دست او راحت شوند، بلکه باید به گونه‌ای رفتار نماید که مردم با او راحت باشند و از در کنار او بودن لذت ببرند.

رهگذرها می‌شود. گمارا توضیح می‌دهد اگر شخص، زباله خویش را بیرون می‌ریزد، حتی به صورتی که مجاز است، اگر این زباله باعث ضرر و زیان رهگذرها شود، این شخص که باعث ضرر و زیان شده، باید ضرر آنها را بپردازد. از این رو شخص همیشه باید مواظب رفتار خود باشد تا اعمال او باعث ضربه و زیان به دیگران نشوند. برای مثال، شخصی که دوان دوان به کنیسا می‌آید و چون تمام راه را دویده، گرمش است و برای خنک کردن خود، پنجره را در اوج زمستان باز می‌کند و اصلاً اهمیت نمی‌دهد دیگران از سرما رنج می‌برند. اگر به او تذکر دهند که "باید پنجره را بست و افراد پیر و ضعیف از این سرما می‌رنجند"، او در پاسخ می‌گوید: "باید هوا عوض شود، برای سلامت مضر است که آدم هوای دمیده و مانده را تنفس کند."

انجام گناه و میصوا از کوچک به بزرگ

می‌شود. حال این گوش در کوه سینای که شنید: "آدم ربایی نکن"، و رفت پول یا شیء دیگری دزدید، پس چرا این گوش باید سوراخ شود؟ واضح است که آدم‌دزدی با دزدی پول زمین تا آسمان فرق دارد. پس منظور راشی از این تفسیر چیست؟ میدراش ربا در تفسیر کتاب برشیت می‌نویسد: ربی لوی فرمود: من نمی‌دانم کدام آزمایش اوراهام آوینو بزرگتر است، خروج از سرزمین پدری و یا رفتن به کوه موریا برای قربانی کردن فرزند خویش؟ این سؤال ربی لوی تأمل برانگیز است، زیرا هر کس می‌داند آزمایش قربانی کردن ییصحاق آوینو برای اوراهام آوینو سخت‌تر بود، زیرا وی صد سال صبر کرد تا این فرزند به دنیا آمد و قرار بود ییصحاق آوینو راه اوراهام آوینو را ادامه دهد. حال خداوند به اوراهام آوینو می‌فرماید این فرزند باید قربانی شود. معلوم است که این آزمایش بزرگتر از آزمایش خروج از سرزمین پدری است، مخصوصاً که خداوند قولهای بسیاری به اوراهام آوینو داد و به او فرمود که با خروج از سرزمین پدری، هم برکت می‌شود، و هم او را به قوم بزرگی تبدیل می‌کند، معروف خواهد شد و کلاً برکت شده خواهد بود.

قبل از پاسخ بدین سؤالات، لازم است مقدمه‌ای را توضیح دهیم: شخصی که سیگار می‌کشد و به سیگار معتاد شده، آیا این شخص از همان سیگار اول معتاد شده یا در طول زمان، رفته رفته بیشتر سیگار کشیده و به جایی رسیده که در روز چند بسته سیگار می‌کشد؟

این پاراشا با قوانین غلام عبری شروع می‌شود و توره می‌فرماید اگر شخص، غلامی را بخرد، این غلام شش سال کار می‌کند و در سال هفتم آزاد می‌شود. ولی اگر غلام نخواهد برود و بگوید من آقای خود را دوست دارم و نمی‌خواهم آزاد شوم، صاحب غلام باید این غلام را به نزد قاضیان ببرد و در کنار درب، گوش او را سوراخ کند و تا سال یوول (سال پنجاهم شمیطا) این غلام در نزد صاحب خود خواهد ماند.

راشی در تفسیر این مورد می‌نویسد: ربان یوخانان بن زکای در این باره پرسید: "چرا از بین تمام اعضای بدن این گوش است که سوراخ می‌شود؟"

ربان یوخانان بن زکان در پاسخ می‌فرماید: "زیرا این گوش که در کوه سینای شنید: "دزدی نکن" ولی با این حال دزدی کرد، باید سوراخ شود." (یکی از حالت‌هایی که شخصی به عنوان غلام عبری فروخته می‌شود این است که دزدی کرده و حال نمی‌تواند پول دزدی شده را برگرداند و به همین جهت در ازای دزدی خود، فروخته می‌شود.)

لازم است این سخنان راشی را توضیح دهیم، زیرا در پاراشای ییترو، راشی در تفسیر "دزدی نکن" می‌نویسد: "منظور شخصی است که آدم می‌رباید، زیرا مجازات تمام فرامین ده فرمان مرگ است و دزدی پول و اشیاء، شخص را محکوم به مرگ نمی‌کند، پس باید گفت این فرمان "دزدی نکن" آمده در ده فرمان مربوط به آدم‌دزدی می‌شود. در ادامه، توره فرمان می‌دهد: "دزدی نکنید" و این فرمان مربوط به دزدی پول و اشیاء

کوچک شروع می‌کند و همینطور پیش می‌رود تا به آدم‌دزدی می‌رسد.

باید از این مطلب پند گرفت که اگر غریزهٔ بد ما را وسوسه به انجام گناهی می‌کند، هر چند این گناه کوچک است، باید از انجام آن خودداری کرد و نگفت: "خوب این گناه کوچک است و اشکال ندارد"، زیرا این راه غریزهٔ بد است و شخص را با انجام گناهان ظاهراً کوچک فریب می‌دهد تا اینکه وی را گناهکار بزرگی می‌کند. همچنین بالعکس، اگر شخص می‌خواهد میصوبایی را انجام دهد و به نظر این میصوبا سخت و بزرگ جلوه می‌کند، باید از یک قسمت کوچک شروع و رفته رفته، انجام آن میصوبا برای وی آسان خواهد شد.

در واقعیت، هیچ کس با چند بسته سیگار در روز شروع نمی‌کند، بلکه در ابتدا روزی یک سیگار می‌کشد و بعداً دو و سه سیگار و همینطور به جلو می‌رود تا به روزی چند بسته سیگار می‌رسد.

حال منظور میدراش نیز همین است، وقتی اوراهام آوینو از آزمایش قربانی کردن فرزند خود سربلند بیرون آمد، قبل از آن ۹ آزمایش دیگر نیز بود، اولین آزمایش آسان بود و رفته رفته این آزمایشات سخت‌تر و سخت‌تر شدند تا اینکه در انتها خد-اوند از اوراهام آوینو درخواست نمود فرزند خود را قربانی نماید. به همین سبب میدراش می‌پرسد کدام آزمایش بزرگتر است؟ آزمایش خروج از سرزمین پدری که ابتدای راه اوراهام آوینو بود و این باعث شد تا اوراهام آوینو قدرت داشته باشد تا در برابر دیگر آزمایشات بایستد یا اینکه آزمایش آخر که قربانی کردن فرزند بود، بزرگتر بود؟

در این صورت، وقتی خد-اوند در کوه سینای فرمان داد: "دزدی نکن" که منظور به آدم‌ربایی است، فرمان دزدی نکردن پول و اشیاء را نیز شامل می‌شود، زیرا از همان روز اول، آن شخص دزدی خویش را با آدم‌ربایی شروع نمی‌کند، بلکه ابتدا با دزدی اشیاء

قدرت قاضیان

"من می‌خواهم دوباره مشخصات این خانم را بررسی کنم و فردا نوشتن طلاق‌نامه را ادامه می‌دهم."

شاهدان و دیگر افراد که برای این مورد به آنجا آمده بودند از این رفتار مهریل دیسکین تعجب کردند ولی به سبب احترام به ایشان چیزی نگفتند. فردای آن روز، پس از اینکه مهریل دیسکین تحقیق نمود، معلوم شد که این خانم دروغ می‌گوید و مرد دیگری را آورده تا او را طلاق دهد.

بعد اتمام این ماجرا، افراد خانه از مهریل دیسکین پرسیدند:

"شما چطور به این نتیجه رسیدید که این خانم دروغ می‌گوید؟"

مهریل دیسکین در پاسخ فرمود: "این بینشی است که خد-اوند به من داده و من می‌توانم موضوعی را از موضوع دیگر درک کنم. وقتی این زن و شوهر وارد خانه شدند، با خود یک سگ کوچک آوردند. در حین نوشتن طلاق‌نامه، متوجه شدم این سگ مرتب از پیش خانم به نزد آقا می‌رود و از نزد آقا به نزد خانم می‌رود و این مورد تعجب من را برانگیخت. زیرا هیچ وقت این دو نفر با هم به دادگاه نمی‌آمدند و همیشه تنها می‌آمدند، پس این سگ فقط در نزد یکی از آنها بوده و فقط به یکی از آنها عادت کرده، پس لازم بود سگ یا فقط پیش خانم برود یا پیش آقا. ولی وقتی دیدم این سگ مرتب به

در ابتدای این پاراشا خد-اوند به مشه ربنو فرمان می‌دهد: "این قوانین را جلوی آنها بگذار."

راشی در تفسیر این مورد می‌نویسد: "جلوی آنها و نه جلوی اقوام دیگر، بدین مفهوم که اگر شخص می‌داند دیگر اقوام، موردی را بر طبق قانون توراها قضاوت می‌کنند، با این حال نباید به نزد قاضیان آنها رفت و شخصی که به نزد قاضیان دیگر اقوام می‌رود، خد-ای ناکرده باعث خواری نام خد-اوند می‌شود."

ربی بن صیون یدلر روحش شاد در این باره فرمود:

"قدرت قاضیان قوم ییسرائل بسیار زیاد است و خد-اوند به آنها کمک بسیار زیادی می‌کند."

ربی بن صیون یدلر در این باره داستانی تعریف کرد و فرمود:

یک بار مهریل دیسکین روحش شاد در خانهٔ خویش برای یک زن و شوهر طلاق‌نامه می‌نوشت. یکدفعه، در حین نوشتن، قلم را روی میز گذاشت و فرمود: "ادامه را فردا می‌نویسم."

از وی پرسیدند: "آخر چرا جناب را، هم شاهدان و هم زن و شوهر اینجا هستند، چرا کار را به تعویق اندازیم؟"

مهریل دیسکین توضیحی نداد و فقط فرمود:

”سی سکه؟! من فقط بیست سکه بدهکار هستم ، چرا شما می‌گویید سی سکه؟“

با این صحبت ، خود آن شخص اعتراف کرد که بیست سکه به مادرم بدهکار است. ربی شموئل با همان لحن طلبکارانه فرمود: ”تا

فردا همین موقع به تو مهلت می‌دهم که پول این خانم را بدهی.“

فردا آن ساعت فرا رسید و شیر فروش پول مادرم را پس نداد. ربی شموئل فرستاده‌ای را به نزد او فرستاد و فرمود: ”این را بدان که من هر موقع کاری را شروع می‌کنم ، آن را به پایان می‌برم و تا به حال اتفاق نیفتاده کاری را شروع کنم و آن را تمام نکنم. اگر همین الان پول را برنگردانی ، در تمام شهر اعلام می‌کنم اجناس تو غیر کاشر

هستند و نمی‌توان روی تو حساب کرد و با تو تفیلا خواند.“

شیر فروش با شنیدن این مورد ، فوراً پول مادرم را پرداخت.

برگرفته از دراشاهای ربی بن صیون یدلر، کتاب لهگید

نزد هر دو می‌رود ، متوجه شدم این سگ به هر دوی آنها عادت دارد و این دو نفر با هم زندگی می‌کنند. به همین سبب تصمیم گرفتم دوباره موضوع را از اول بررسی کنم و به این صورت به حقیقت پی بردم.“

ربی بن صیون یدلر دراشای خود را ادامه داد و فرمود: ”مادر من برای پختن مصا ، آرد می‌فروشد. یک شیر فروش بود که نزدیک موعد نیشان از مادرم آرد می‌خرید و مصا می‌پخت و به مردم می‌فروخت . یک بار از مادر من مقدار زیادی آرد خرید و بیست سکه از پول آردها را نداد. مادرم به نزد قاضیان توراہ شکایت کرد ، ولی چون آن مرد قلدر و پررو بود ، دادگاه نیز نتوانست این بیست سکه را از دست او خارج کند.

مادرم آن شیر فروش را به نزد ربی شموئل از سالانط برد و در نزد او شکایت کرد. وقتی ربی شموئل صحبت‌های هر دو طرف را شنید ، با صدایی بلند و طلبکارانه رو به شیر فروش کرد و گفت:

”چرا آن سی سکه‌ای را که بابت آرد مصا به این خانم بدهکار هستی را نمی‌پردازی؟“

شیرفروش که انتظار نداشت ربی شموئل با این لحن طلبکارانه صحبت کند ، گیج شد و گفت:

قابل توجه خوانندگان گرامی

نشریه هفتگی **اوم ۷۷۶** در زمان اخیر با کمبود مالی جدی روبرو شده است که در صورت عدم دریافت کمک مالی از چاپ و پخش نشریه برای چندمین بار معذور خواهد گشت.

این مورد سبب گشته این نشریه تنها به تعداد نسخ □□ دودی چاپ و نشر اکتفا نموده و در اختیار افراد معدودی قرار دهد و بدین ترتیب سایرین از دریافت آن □□ روم بمانند که در صورت عدم توجه ، موفق به تهیه این تعداد □□ دود نیز نخواهد گشت.

واقعاً اکنون : لمذهای تفکر...!!!

اما پس از تفکر ، باید عمل نمود آیا عدالت است که تنها به علت کمبود مالی از داشتن نشریه‌های فارسی زبان که در نوع خود بی‌نظیر می‌باشند □□ روم باشیم پس خواهشمند است جهت کمک به این نشریه اقدام فرمایید .

با کمک به این نشریه علاوه بر درج اسامی و اختصاص انتشار ، به منظور سلامتی و موفقیت افراد و یا شادی روح و روان رفتگان خویش ، مزکی خواهید گشت که توسط تلمید خاخام جهت سلامتی ، موفقیت و سرافرازی شما در نزد: مقبره ”خاخام اوریل داویدی“ به دعا و تفیلا پرداخته شود.

جهت کمک به این نشریه □□ فاً با شماره تلفن یا واتس‌آپ **۰۵۴-۶۴۹-۳-۶۴۹**

یا [گروه تلگرام](#) تماس □□ اصل فرمایید